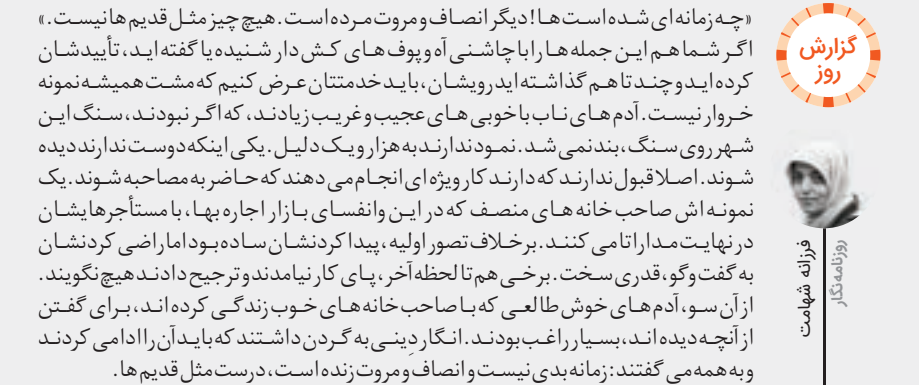


مستأجری به وقت خوشی

چند برش کوتاه از حال خوب مؤجرهای منصف و مستأجرهای راضی شهرمان



«چه زمانه‌ای شده است‌ها! دیگر انصاف و مروت مرده است. هیچ چیز مثل قدیم هان نیست.» اگر شما هم این جمله‌ها را با چاشنی آه و پوف‌های کش دار شنیده یا گفته‌اید، تأییدشان کرده‌اید و چند تا هم گذاشته‌اید رویشان، باید خدمتتان عرض کنیم که مشّت همیشه نمونه خروار نیست. آدم‌های ناب با خوبی‌های عجیب و غریب زیادند، که اگر نبودند، سنگ این شهر روی سنگ، بند نمی‌شد. نمودند! رند به هزار و یک دلیل، یکی اینکه دوست ندارند دیده شوند، اصلاً قبول ندارند که دارند کار ویژه‌ای انجام می‌دهند که حاضر به مصاحبه شوند. یک نمونه‌اش صاحب خانه‌های منصف که در این وانفسای بازار اجاره بها، با مستأجرها یشان در نهایت مداراتامی کنند، برخلاف تصور اولیه، پیدا کردنشان ساده‌بود اما راضی کردنشان به گفت‌وگو، قدری سخت. برخی هم تا لحظه آخر، پای کار نیامدند و ترجیح دادند هیچ نگویند. از آن سو، آدم‌های خوش طالعی که با صاحب خانه‌های خوب زندگی کرده‌اند، برای گشتن از آنچه دیده‌اند، بسیار راغب بودند. انگار دینی به گردن داشتند که باید آن را ادا می‌کردند و به همه می‌گفتند: زمانه بدی نیست و انصاف و مروت زنده است، درست مثل قدیم‌ها.

ارثیه پدر برای پسر

از هویت حاج آقا همه آنچه که اجازه نشرش را داریم، همین قدر است: یک طلبه سید، پنجاه و دو ساله، بازنشسته و عائله‌مند ساکن حاشیه شهر مشهد. دو تاز دخترها و پسرش را راهی خانه بخت کرده است و دو فرزند مجرد دارد. همین شرح حال کوتاه برای برآورد هزینه‌های زندگی‌اش کافی است. به قول خودش با این وضعیت تورم، هر چه هم که درآمد داشته باشی، جای خرج آن بازمی‌شود اما طوری باقناعت زندگی می‌کند که با ۵ تا ۷ میلیون تومان درآمدی که پس از کسر اقساط وام برایش می‌ماند، چرخ زندگی‌اش آبرومندانه می‌چرخد. قصه وقف خانه‌اش برای نیازمندان فاقد مسکن را می‌گوید. فقط به این نیت که حال مردم شهر خوب شود و فکر نکنند که اگر جایی صاحب خانه‌ای دارد مستأجرش را آزار می‌دهد، همه مثل هم هستند، «خانه ما حدود پنجاه متری است. طبقه همکف را خودمان استفاده می‌کنیم و طبقه دوم را علویه کرده‌ایم. برای روضه‌ها و مراسم و مهمان‌خانه، سال ۸۴ یک وام قرض الحسنه ۵ میلیون تومانی جور شد. خواستم کاری کنم که سرمایه‌گذاری برای آخرتم باشد. یک واحد دیگر بالای خانه‌ام ساختم و به نیازمندان اختصاص دادم، کاملاً رایگان. بدون رهن، اجاره و قبض‌ها.» درباره دلیل خدمتی که رایگان ارائه می‌کند، می‌گوید: کسی که می‌آید اینجا یعنی مشکل مالی دارد. برای مدتی مهمان ماست و توفیقی است که خدمتشان باشم. آن‌طور که حاج آقا می‌گوید، تا الان حدود ۱۰ خانواده از این فضا استفاده کرده‌اند. برخی طلبه که بضاعت بوده‌اند، یکی بازاری و رشکسته، دیگری خانواده‌های زندانی و... حاج آقا‌هل جواب در یک مستأجرهایش نیست و می‌گوید خودش‌ان حال و روزشان که بهتر می‌شود،

تعیین اجاره با مشورت مستأجر

سؤال ثابتش این است: «چقدر می‌توانی؟» حق دارید، باورش سخت است که صاحب خانه از مستأجرش این سؤال را بپرسد اما واقعیت دارد. رویه حاج خانم از ده سال پیش که این مجتمع مسکونی را در محدوده طلب ساخته با همه هفت مستأجرش همین بوده است، «سر سال موقع تمدید قرارداد می‌پرسد چقدر به کرایه‌ات اضافه کنم خوب است، طوری که از پس پرداختش برآیی و روی زن و بچه‌ات فشار نیاید؟» این‌ها را علی رحمتی می‌گوید. اواز مستأجرهای خوش اقبالی است که از ده سال پیش تا الان، مستأجر حاج خانم بوده است.

تجربه آقای رحمتی در این سال‌ها این است که سؤال و جواب یادشده بین موجر و مستأجر، تعارف و صوری نیست. اگر به طور مثال بگوید ۱۵۰ هزار تومان بیشتر از پارسال می‌تواند به عنوان کرایه‌اش بپردازد، صاحب‌خانه می‌پذیرد با چاشنی این جمله که از یک اعتقاد قلبی ناشی می‌شود: «قبول، خدا برکت بدهد تا این پول را با سلامتی استفاده کنم.»

علی آقا می‌گوید می‌داند که حاج خانم، راه امرار معاش خود و خانواده‌اش از همین کرایه‌هاست و ممر درآمد دیگری ندارد. این راهم اضافه می‌کند که زندگی صاحب‌خانه‌اش بسیار ساده است و اگر می‌خواست، می‌توانست با گرفتن نرخ روز روزه کرایه از هر کدام از این واحدها، یک زندگی کاملاً مرفه برای خود و خانواده‌اش رقم بزند، «من خانه‌شان را دیده‌ام. سالی چندبار خانواده‌ما و بقیه مستأجرها را در ایام فاطمیه و اربعین دعوت می‌کند روضه، یک خانه دو طبقه دارد، با مبل‌ها و پرده‌های ساده



عکس: نادر و بهنام شهباز

بخشش در عین نیاز

اگر آن روز به‌گریه‌های مستأجرش اعتنا نمی‌کرد و عذرش را می‌خواست، شاید الان آدم دیگری بود، هر کسی به‌جز مردی چهل و یک‌ساله که غم دیگران برایش بزرگ شده است. صاحب‌خانه‌خیری که در یکی از ادارات شهر رویه‌رویش نشسته‌ایم، به مصاحبه‌تماپلی ندارد. نگرانی‌اش را می‌فهمیم، می‌ترسد ربا بشود. هویتش را که به امانت نگه می‌داریم و به نام کوچکش، رضا، بسنده می‌کنیم، راضی می‌شود ماجرا را بر ایمان شرح بدهد و از هشت سال پیش بگوید که منزل پدری با فوت پدر خالی ماند و دست مستأجر افتاد. مستأجر، بانویی سرپرست خانوار با دو فرزند بود که با همه مقاومتش در برابر هزینه‌های زندگی، یک روز کم آورد و با گریه، درخواست مساعدت کرد، «آن زمان کرایه ۵۰۰ هزار تومان بود. یک روز گفت دیگر نمی‌تواند بیش از ۲۰۰ هزار تومان بدهد. درخواستش این بود که وسایلش را بیاورد نیم طبقه سوم خانه که می‌متری است. کرایه را کم کردم و گفتم جایی که هست، باند چرخ سال ماند و خودش خانه دیگری گرفت و رفت.» مردانگی رضا در حق مستأجرش، فرصت ناب بعدی برای نزدیک شدن به خدا را برایش رقم زد، «یکی از جوان‌های فامیل که نامزد داشت، برای شروع زندگی مشترک، معطل پیدا کردن خانه‌مانی پیشنهاد کردم بیاید مستأجر ما شود، بدون پرداخت رهن، کرایه و قبض‌ها. دو سال نشست و خودش رفت. مادر پیرم که در این اثنا فوت کرد، نیت کردم این خانه را همیشه در اختیار همین دست‌افراد بگذارم.» خانه‌ای که رضا می‌گوید، ۲۵ متر و در محدوده بولوار مجد است. آن‌هایی که دستشان در بازار است، می‌دانند نیت او مساوی با چشم‌بستن روی درآمدی

درست مثل پدر

سعید، طلبه و معلم ابتدایی است. او را در همه‌همه پسر بچه‌ها، چند دقیقه‌ای خلوت پیدا می‌کنیم. دو سال اخیر را با صاحب‌خانه‌ای زندگی کرده است که موقع توصیفش، کم می‌آورد و دائم مکث می‌کند. لطفی که او از مرد صاحب‌خانه و خانواده‌اش دیده است، به موضوعات مالی، محدود نمی‌شود. شاید به همین دلیل است که پدر صاحب‌خانه‌اش را با واژه «جان» همراه می‌کند، «خانه‌شان در محدوده بولوار دوم طبرسی است. چند دقیقه‌ای که با هم صحبت کردیم، یک کلام از تعداد بچه‌هایم و این‌طور چیزها نپرسید. قرار شد رایگان آنجا زندگی کنیم تا هر وقت که خواستیم، بنگاه هم نرفتیم. یک کاغذ بین خودمان نوشتیم که صوری بود و کم شد. پرسیدم قبض‌ها را چه کار کنیم؟ گفت لازم نیست بدهید.» سعید تادو ماه پیش، در همسایگی صاحب‌خانه، زندگی می‌کرد و تأکید دارد به خواست خودش تصمیم گرفته است از آنجا نقل مکان کند تا خانه‌اش در اختیار فرد دیگری که دچار مشکل مسکن است، قرار بگیرد. برای این دو سال که باندان کرایه، نفس کشیده است، خدا را شکر می‌کنند آن را در بهتر شدن وضعیت مالی خانواده‌ چهار نفره‌اش مؤثر می‌داند، «الان همان واحد حدوداً شصت متری را بخاوهی کرایه بدهی.» ۶۰ میلیون تومان، پول پیش و برچی یک و نیم میلیون تومان اجاره می‌خواهد، از سعید درباره وضعیت مالی صاحب‌خانه‌اش می‌پرسیم تا بدانیم آیا گشاده‌دستی اواز جیب پرپولش ناشی می‌شود. می‌گوید: خودم هم همین تصور را داشتم. فکر می‌کردم اگر وارد خانه صاحب‌خانه‌ام که کارمند است بشوم، مبل‌های شیک و فرش‌های آن چنانی می‌بینم. یک بار کلید خانه‌شان را داد تا کلل هایشان

یادداشت

راهکار پیشگیری از اعتیاد در فرزندان



امیر گوهری / کارشناس پیشگیری از اعتیاد

شاید یکی از سؤالات مهم هر پدر و مادر، این باشد که چگونه فرزندم را از آسیب‌های اجتماعی، مشکلات اخلاقی و اعتیاد دور کنم؟ این سؤال با پررنگ شدن موضوع اعتیاد و آسیب‌های جوانان و نوجوانان، جدی‌تر شده و امروز یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌هاست.

به‌عنوان کسی که سال‌ها در حوزه پیشگیری و درمان اعتیاد کار کرده‌ام و تجربه‌های بسیاری در زمینه اعتیاد جوانان و آسیب‌های ناشی از آن دارم، یک پیشنهاد ارزان، عملیاتی، مفید و تضمینی برای خانواده‌ها دارم.

بررسی‌های کارشناسی ما نشان می‌دهد که در جمع‌های ورزشی غیر حرفه‌ای مانند ورزشکاران آمادگی جسمانی، ورزش‌های سبک باشگاهی، دوچرخه‌سواری، کوه‌نوردی غیر حرفه‌ای و ورزش‌های سبک هوازی، نسبت افراد مبتلا به آسیب اعتیاد، بد اخلاقی، فساد فکری و ناهنجاری‌های اجتماعی به‌کل گروهِ بسیار اندک است.

در مقابل، بین جوانان آسیب‌دیده، معتاد به مصرف مواد مخدر، ولگرد، وندالیست (مخرب)، اراذل و اوباش و سایر گروه‌های دچار ناهنجاری اجتماعی، تقریباً هیچ اهل ورزشی دیده نمی‌شود.

تأکید من بر ورزش غیر حرفه‌ای در این نوشتار، به این دلیل است که ورزش حرفه‌ای، آسیب‌های خاص خود را دارد. ورزش حرفه‌ای مستلزم اختصاص تمام وقت زندگی به ورزش است که منجر به تغییر مسیر آینده فرد و ادامه‌دادن تحصیل و کم‌کاری در زمینه یادگیری حرفه و اشتغال می‌شود و در نهایت احتمال موفقیت در آن، بسیار کم است.

بنابراین اصرار دارم که پدرها و مادرها، فرزندان خود را از همان اوان کودکی و حتی از سنین قبل از دبستان، به ورزش تشویق و یک برنامه دقیق و منظم برای آن‌ها تنظیم کنند. باز هم تأکید می‌کنم که منظور از برنامه ورزشی، ورزش‌های غیر حرفه‌ای است؛ زیرا به‌نظر من، ورزش حرفه‌ای، مشکلاتی دارد که در این نوشتار، جای بحث آن نیست.

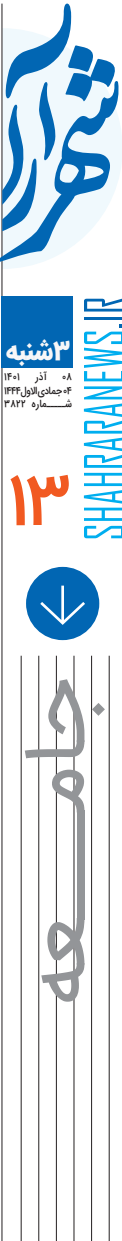
پدر و مادر خودشان باید الگوی فرزند باشند و حتی یکی دو ساعت در روز به ورزش بپردازند تا فرزندانشان از کودکی با فضای ورزش و تحرک در خانواده خو بگیرند و این الگوسازی طوری باشد که یک برنامه منظم و همیشگی پیش روی آن‌ها قرار دهد.

پدر و مادر همچنین می‌توانند در پارک‌ها یا فضا‌های اطراف محل زندگی‌شان، با فرزندانشان توپ‌بازی، فوتبال، رانندگی یا ورزش‌های سبک دیگر را تمرین و و آن‌ها را به تحرک وادار کنند. منظور این است که ورزش مثل رفتن به پارک و نگاه‌کردن تلویزیون و غذا خوردن در رستوران، در برنامه روزانه خانواده، نهادینه شود و فرزند به این وضعیت عادت کند و در واقع به آن معتاد شود.

از سویی دیر، باید مراکز ورزشی یا باشگاه‌هایی ویژه کودکان در رشته‌های دوچرخه‌سواری، ژیمناستیک، دو، شنا و آمادگی جسمانی و... راه‌اندازی شود که مختص سنین آن‌ها باشد و تحت نظر مربیان تأییدشده از سازمان تربیت بدنی اداره شود.

اطمینان دارم که گرایش کودکان و نوجوانان به ورزش، داشتن برنامه منظم ورزشی، پرهیز از دورهمی‌های خانوادگی که افراد در آن سیگار و قلیان می‌کشند، توجه به برنامه‌های ورزشی در تلویزیون و گاهی ورزش کردن همگام با این برنامه‌ها، شرکت فعال در مسابقات ورزشی آموزشگاه و مدرسه و محله و در یک کلام، عادت‌کردن به فعالیت جسمی و فیزیکی، در طولانی مدت، نوجوان را از گروه‌های دانشسته با شیم و بدرفتار جدا و حتی از آن گریزان می‌کند و او را به طرف جوانان و نوجوانان ورزشکار و سالم سوق می‌دهد. از آنجا که بیشتر آسیب‌ها از گروه‌های همسالان به نوجوان سرایت می‌کند و اعتیاد به سیگار و مواد مخدر هم از همین گروه‌ها آغاز می‌شود، پیشگیری از آن نیز از همین مسیر امکان پذیر است. یعنی اگر برنامه‌ای داشته باشیم که دوستان فرزندمان از بین کودکان ورزشکار و دوستداران ورزش انتخاب شوند، دوست‌گزینی از گروه‌های بد اخلاق و بدرفتار و دارای افکار و نگرش‌های منفی و آسیب‌زا، رفته‌رفته از ذهن و فکر کودک دور می‌شود و او به سمت سبک زندگی سالم گرایش پیدا می‌کند.

امیدوارم پدرها و مادرها این راهکار ساده، کم‌خرج، پرفایده و تضمینی را جدی بگیرند و برای اینکه فرزندانشان از آسیب‌های اجتماعی دور بمانند، برنامه‌ریزی جدی در این زمینه را آغاز کنند. ماهی را هر وقت از آب بگیریم، تازه است.



شهرخبر
SHAHRA NEWS IR
۳ شنبه
۴ شهریور ۱۳۹۴
شماره ۲۸۲۲



شهرخبر
SHAHRA NEWS IR
۳ شنبه
۴ شهریور ۱۳۹۴
شماره ۲۸۲۲

